

The Impact of the COVID-19 Global Epidemic on the Behavioral-Interactive Pattern of International System Actors Based on Realism Theory

Corona and Actors of International Relations

Aboozar Omrani^{*}, Javad Moradi^{}**

Abstract

The COVID-19 virus outbreak in China in December 2019 soon affected all aspects of human life in all countries of the world. One of the consequences of the Corona epidemic is a change in the pattern of behavior based on international cooperation and solidarity, has spread over the past few decades as a result of liberal globalization. The aim of this study is to investigate the effect of COVID-19 virus outbreak on the interactive-behavioral pattern of international actors based on the theory of realism. Based on this, the question is what effect has the outbreak of COVID-19 virus had on the behavior of international actors? The hypothesis is that despite governments' declarative policies of global solidarity and cooperative policies in the face of global Corona crisis, powerful actors in the international system have in practice followed a pattern of competitive-conflicting behavior and put their national interests before global interests. The findings show that after the spread of Corona virus, in accordance with the principles of realism theory, governments turned to self-help, nationalism, competition and struggle for access to

* PhD in International Relations, Allameh Tabatabai University- Tehran- Iran. (Corresponding Autho)
ahoora_131@yahoo.com

** Master of International Relations School of International Relations, Ministry of Foreign Affairs-
Tehran- Iran. javadmoradi.d@gmail.com

Date received:2022/01/29, Date of acceptance: 2022/03/15



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۴۰ سیاست کاربردی، سال ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

resources and disregard for international institutions in order to counter the COVID-19 epidemic. The present research has been done by descriptive-analytical method.

Keywords: COVID-19, Conflict Behavior Pattern, Nationalism, Realism, Anarchy.



تأثیر همه‌گیری جهانی ویروس کووید ۱۹ بر الگوی رفتاری-تعاملی بازیگران نظام بین‌الملل بر مبنای تئوری واقع‌گرایی

کرونا و بازیگران عرصه روابط بین‌الملل

ابوذر عمرانی*

جواد مرادی**

چکیده

شیوع ویروس کووید ۱۹ در دسامبر ۲۰۱۹ از کشور چین به زودی تمام جوانب زندگی بشر در تمام کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار داد. از جمله پیامدهای همه‌گیری کرونا تغییر در الگوی رفتاری مبتنی بر همکاری و همبستگی بین‌المللی است که طی چند دهه گذشته در نتیجه جهانی شدن لیبرال گسترش پیدا کرده است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر شیوع ویروس کووید ۱۹ بر الگوی تعاملی-رفتاری بازیگران نظام بین‌الملل بر مبنای نظریه واقع‌گرایی است. بر این مبنای پرسش مطرح می‌شود که شیوع ویروس کووید ۱۹ چه تأثیری بر الگوی رفتاری بازیگران نظام بین‌الملل داشته است؟ فرضیه این است که علی‌رغم سیاست‌های اعلانی دولت‌ها مبنی بر همبستگی جهانی و اتخاذ سیاست همکاری جویانه در مقابل بحران جهانی کرونا، بازیگران قدرتمند در عرصه نظام بین‌الملل در عمل از الگوی رفتاری رقابتی-تعارضی پیروی کرده و منافع ملی خود را بر مصالح جهانی مقدم دانسته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بعد از گسترش ویروس کرونا،

* دکترای تخصصی روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)،

ahoor_131@yahoo.com

** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

javadmoradi.d@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مطابق با مبانی و اصول نظریه واقع‌گرایی، دولت‌ها به منظور مقابله با همه‌گیری کووید ۱۹ به خودیاری، ملی‌گرایی، رقابت و ستیزش برای دستیابی به منابع و بی‌توجهی به نهادهای بین‌المللی روی آوردند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است.

کلیدواژه‌ها: کووید ۱۹، الگوی رفتاری تعارضی، ناسیونالیسم، واقع‌گرایی، آنارشی.

۱. مقدمه

جهان به طور فزاینده‌ای در معرض ابتلا به انواع بیماری‌های عفونی تنفسی از خانواده کرونا و ویروس‌ها قرار دارد که به عنوان یک تهدید جدی علیه امنیت بهداشت جهانی تشخیص داده شده است. ویروس کووید ۱۹ از خانواده ویروس کرونا، در دسامبر ۲۰۱۹ در کشور چین کشف شد و با سرعت به سراسر جهان سرایت پیدا کرد. در ۳۰ ژانویه ۲۰۲۰، سازمان جهانی بهداشت شیوع کروناویروس جدید را یک وضعیت اضطراری بهداشت عمومی و در ۱۱ مارس ۲۰۲۰، شیوع بیماری را پاندمی اعلام کرد که می‌تواند پیامدهای مخرب زیادی برای جامعه جهانی در برداشته باشد. امروزه با توجه به پیچیدگی و درهم‌تنیدگی ارتباطات جهانی و مسئله وابستگی متقابل و پدیده جهانی‌شدن، تهدیدات امنیتی نرم برخاسته از مسائل جهان از جمله بیماری‌های همه‌گیر، می‌توانند امنیت جامعه جهانی را مورد تهدید قرار دهند. این تهدیدات در پایین‌ترین سطوح، تجارت، اقتصاد و امنیت بین‌المللی را نیز تهدید خواهند کرد. بدین ترتیب این پدیده فرامرزی پس از ظهور با به چالش کشیدن تمامی بازیگران بین‌المللی این الزام را به وجود آورده است که تمام بازیگران به همگرایی و همکاری‌هایی برای مهار بحران روی آورند، اما آنچه در پی شیوع ویروس کرونا رخ داد این بود که اکثر دولت‌ها به ناسیونالیسم و ملی‌گرایی روی آورده و رقابت گسترده‌ای را برای دستیابی به منابع مختلف برای مهار ویروس و همچنین افزایش قدرت و امنیت ملی به زیان رقبای خود آغاز کردند. این مباحث باعث شده است که بسیاری از صاحب‌نظران به‌ویژه اندیشمندان واقع‌گرای روابط بین‌الملل، با تأکید مجدد بر اهمیت دولت‌ملی، بار دیگر اصول واقع‌گرایی از جمله رقابت و ستیزش کشورها و بویژه قدرت‌های بزرگ را برجسته و پدیده‌هایی مانند جهانی‌شدن، وابستگی متقابل و همکاری و همبستگی جهانی را که مورد تأکید لیبرال‌ها قرار دارد، کم‌اهمیت تلقی کنند. این مسئله که در موارد بحرانی ملت‌ها به دولت‌های خود پناه

می‌برند به صورت یک قاعده رئالیستی درآمده است. با توجه به اینکه شیوع ویروس کووید ۱۹ نیز دولت‌ها را در عرصه‌های داخلی و خارج از مرزهای خود با بحران مواجه کرده است، این مسئله مطرح می‌شود که دولت‌ها به منظور مبارزه با این بحران و مهار آن به خودیاری و کسب منافع ملی و یا همکاری و همبستگی‌های فراملی روی می‌آورند؟ بنابراین تمرکز بر روی الگوی رفتاری-تعاملی بازیگران برای مهار بحران است. پرسش اصلی در این راستا این است که شیوع ویروس کووید ۱۹ چه تأثیری بر الگوی رفتاری بازیگران نظام بین‌الملل داشته است؟ فرضیه این است که بازیگران نظام بین‌الملل، بویژه بازیگران قدرتمند، با تمرکز بر منافع ملی خود، به ناسیونالیسم و خودیاری روی آورده و نسبت به سایر بازیگران رویکردی رقابتی و تعارضی اتخاذ کرده‌اند.

شواهد نشان می‌دهد که اغلب کشورها، با روی آوردن به ملی‌گرایی، مرزهای خود را به روی خارجی‌ها بسته‌اند و به جای روی آوردن به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، سعی می‌کنند شیوع کووید ۱۹ را در داخل مرزهای خود مدیریت کنند. بنابراین بحران شیوع ویروس کرونا و نوع مدیریت آن می‌تواند بر شیوه زیست و نوع تعاملات کشورها در دراز مدت سایه افکنده و در عین حال، امنیت و بقای آن را با خطرات جدی مواجه سازد. در پی شیوع ویروس کرونا رقابت بین قدرت‌های بزرگ، بویژه ایالات متحده آمریکا و چین برای کسب قدرت بیشتر شدت گرفته است. در این میان نهادها و سازمانهای بین‌المللی با بی‌توجهی کشورها مواجه شده و نقش اندکی در مدیریت بحران ناشی از همه‌گیری کرونا بر عهده داشته‌اند. مسئله این است که روند تحولات جهانی که در پدیده جهانی شدن و وابستگی متقابل تجاری به سمت همبستگی و همکاری بین کشورهای جهان پیش می‌رفت و مرزهای ملی و حاکمیت ملی کشورها هر روز با فرسایش بیشتری مواجه می‌شد در پی همه‌گیری ویروس کرونا این روند تنها متوقف شده، بلکه همکاری و همبستگی جهانی با تهدید ملی‌گرایی و رقابت بین کشورها مواجه شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ بر الگوی تعاملی بازیگران نظام بین‌الملل با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است.

۲. الگوی رفتاری-تعاملی بازیگران نظام بین‌الملل در نظریه رئالیسم

رئالیسم در چند دهه گذشته به مهمترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل تبدیل شده است، تا جایی که آن را جریان اصلی یا پارادایم مسلط روابط بین‌الملل می‌خوانند. جاذبه نظریه واقع‌گرایی به دلیل تکیه آن بر واقعیت‌های ملموس و در نتیجه عینی و کاربردی بودن آن است. بنابراین پیروان این مکتب بر این باورند که در روابط بین‌الملل، کشورها باید با دنیا آن‌گونه که واقعاً وجود دارد روبه‌رو شوند. این نظریه شاخه‌های مختلفی مانند واقع‌گرایی سنتی، تهاجمی، تدافعی و ساختارگرا را در بر می‌گیرد، ولی همه آنها مفروضه‌هایی مشترکی دارند که در ذیل مطرح می‌شود:

۱.۲ اصول و مفروضه‌های نظریه واقع‌گرایی

یکی از مفروضات اصلی واقع‌گرایان این است که دولت کنشگر اصلی نظام بین‌الملل است و بازیگران غیردولتی هیچ تأثیر قابل توجهی در آنچه در امور جهان می‌گذرد ندارند (Ozkan & Cem Cetin, 2016: 89). واقع‌گرایان سازمان‌های بین‌المللی را ابزار دست قدرت‌های بزرگ می‌دانند (پوراحمدی و قنبری مزیدی، ۱۳۹۲: ۲۲۹). اصل دیگر این است که ساختار نظام بین‌الملل آنارشیک است. به عقیده کنت والتز، در سیستم بین‌المللی قدرت مرکزی برای نظارت بر اجرای احکام صادره وجود ندارد. از این رو نظام بین‌الملل آنارشیک است (Waltz, 1979: 102). آنارشی پیامدهای مهمی مانند بی‌اعتمادی و سوءظن کشورها به یکدیگر، تضمین بقا به عنوان هدف اصلی و تلاش برای به حداکثر رساندن قدرت و امنیت برای رفتار کشورها و روابط بین‌الملل دارد. اصل بعد که نشأت گرفته از آنارشی است خودیاری در نظام بین‌الملل می‌باشد. به خاطر وجود آنارشی، این به عهده یکایک اعضا است که برای حفظ خود در مقابل تهدیدات خارجی روی پای خود بایستند. اصل دیگر تأکید بر منافع ملی و ناسیونالیسم است. به عقیده مورگنتا منافع ملی «معیاری همیشگی است که با آن باید اقدام سیاسی را ارزیابی کرد» (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۳۸). اصل دیگر تلاش برای کسب قدرت بیشتر است. در محیط آنارشی دولت‌ها سعی می‌کنند توانمندی‌ها و قدرت رقابتی نسبی خود را افزایش دهند (Taliferro, 2009: 206). در این محیط به علت کمبود منابع حیاتی، دولت‌ها به نزاع، و برای تأمین امنیت، بازار و سایر منابع در راستای منافع ملی به رقابت می‌پردازند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

تأثیر همه‌گیری جهانی ویروس کووید ۱۹ ... (ابوذر عمرانی و جواد مرادی) ۱۴۵

واقع‌گرایان بر یک سیستم بین‌المللی ذاتاً رقابتی و آنارشیک متمرکز هستند که قدرت را برای مدیریت روابط بین‌دولتی و محافظت از کشورها در برابر یکدیگر انحصار می‌دهد (Basur & Kliem, 2020: 3). بنابراین تحت هر شرایطی رقابت و ستیزش دولتها از بین نمی‌رود و اساس بازی بر مبنای حاصلجمع صفر نیز همواره حکمفرماست. این مسائل باعث شده است که واقع‌گرایان به اصول اخلاقی، نهادها، رژیم‌ها و حقوق بین‌الملل توجه زیادی نداشته باشند. واقع‌گرایان در تلاشند تا واقعیت‌های موجود در نظام بین‌الملل را آنگونه که هست بازگو کنند و معتقدند با درس‌های اخلاق و شعار نمی‌توان واقعیتها را دگرگون و اصلاح کرد (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۵: ۹۸). بدین ترتیب باید دید در مکتب واقع‌گرایی همکاری بین دولتها چگونه میسر می‌شود؟

۲.۲ همکاری در چارچوب نظریه رئالیسم

از نظر واقع‌گرایان آنارشی، رقابت و تعارض را در میان دولتها رشد می‌دهد و مانع اراده آنها در جهت همکاری حتی در هنگامی می‌شود که منافع مشترکی دارند. در نظام آنارشیک با وجود اینکه دولتها ممکن است از همکاری و همگرایی سود اقتصادی ببرند، اما عواید اقتصادی تحت‌الشعاع منافع سیاسی قرار می‌گیرد. دولتها همواره از چگونگی توزیع عواید ناشی از همکاری نگرانند و می‌ترسند که دیگران بیشتر از آنها از همکاری سود ببرند. بنابراین کشورها به موقعیت نسبی خود در همکاری با دیگران اهمیت می‌دهند و اگر همکاری در خدمت این منافع نهایی نباشد، شکننده خواهد بود (Bayeh, 2014: 349). مسئله دیگر به خدعه و فریب و در نتیجه ترس دولتها از درگیر شدن در موضوع همکاری مربوط است. زیرا، در وضعیت آنارشی، در صورتی که منافع اساسی کشورها مطرح باشد، این امکان وجود دارد که آنها به خدعه و فریب متوسل شوند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۵). به طور کلی، اعتقاد واقع‌گرایان به ناهماهنگی منافع در جهان، و تأکید آنان بر منازعه‌آمیز بودن روابط بین‌الملل، چشم‌انداز همکاری را در این دیدگاه ضعیف نموده است.

رئالیست‌ها نمی‌گویند که همکاری‌های بین‌المللی غیرمحمول یا کم اهمیت هستند، بلکه معتقدند دولتها طبیعتاً زمانی همکاری می‌کنند که منافعشان از این همکاری تأمین شود. به اعتقاد آنها واقعیت‌های سیاسی دولتها را ناگزیر می‌سازد که تعهداتی را بپذیرند و اینکه منافع قدرتمندترین دولتها معنای همکاری را مشخص می‌کند (Dunoff, 2000: 66).

بنابراین همکاری بین‌المللی در وضعیت آنارشیک به تحریک و احتمالاً هدایت کشورهای مسلط و قدرتمند نظام بین‌الملل صورت می‌گیرد؛ همکاری و اتحادی که مصلحتی و غیراصیل است. به اعتقاد واقع‌گرایان دولت‌ها در صورت مناسب بودن شرایط و در راستای منافع خود با سازمان‌های بین‌المللی همکاری می‌کنند. در نتیجه، سازمان‌های بین‌المللی تا زمانی که به کشورها اجازه می‌دهند منافع خود را دنبال کنند و به کشورها برای دستیابی به منافع نسبی کمک کنند، به حیات خود ادامه می‌دهند (Bayeh, 2014: 349). بدین ترتیب الگوی رفتاری-تعاملی در نظریه واقع‌گرایی بر مبنای رقابت و تعارض بر سر منابع کمیاب در محیط آنارشی است. در این مسیر همکاری به ندرت اتفاق می‌افتد و بازیگران دائماً به فکر افزایش قدرت خود و کاستن از قدرت رقیب بر مبنای بازی با حاصل جمع صفر هستند. همه کشورها نیز در الگوی رفتاری-تعاملی خود این ملاحظات را مبنای اقدام و سیاست‌های خود قرار می‌دهند. این ملاحظات در موارد بحران در روابط بین‌الملل اهمیت بیشتری می‌یابد. بویژه در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ شاهد اهمیت اصول و مفروضه‌های رئالیستی در روابط بین‌الملل می‌باشیم. با شروع همه‌گیری حتی کشورهای لیبرال بویژه کشورهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، با سرعت زیاد به اصول اولیه رئالیستی مانند ناسیونالیسم، خودیاری و رقابت روی آوردند و با مسدود کردن مرزهای سرزمینی و مرادات خود با سایر کشورها، از اصول اولیه لیبرالیسم مانند نقش و اهمیت همکاری و همگرایی در سطح نظام بین‌الملل روی‌گردان شدند.

۳.۲ همه‌گیری ویروس کرونا و چالش‌های لیبرالیسم

به باور لیبرال‌ها پس از جنگ جهانی دوم ارزشهای و مفروضه‌های لیبرالیسم تحت هدایت هژمون لیبرال در حال گسترش بوده، به گونه‌ای که نظام بین‌الملل هم‌اکنون تحت حاکمیت ارزش‌های لیبرال قرار دارد و کشورها به سمت نوعی جامعه بین‌المللی فراتر از دیدگاه محدود حاکمیت‌های ملی قدم می‌نهند. مجموعه این موارد کشورها و دیگر بازیگران غیر دولتی را به سمت الگوی تعاملی-رفتاری همکاری و همبستگی جهانی سوق داده است. بر این اساس سعی می‌شود با بررسی پیامدهای بحران همه‌گیری کرونا چه در سطح داخلی و چه در سطح نظام بین‌الملل، این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم که آیا تغییری در الگوی

تعاملی-رفتاری بازیگران نظام بین‌الملل رخ داده است یا خیر؟ بنابراین در ابتدا سعی می‌شود چالش‌هایی که این بحران برای ایدئولوژی لیبرالیسم به وجود آورده بررسی شود. به‌طور کلی پیامدهای همه‌گیری در سطح داخلی، رشد ملی‌گرایی، تحول در ماهیت و عملکرد دولت، تحول در سبک زندگی، چالش مردم‌سالاری یا رشد اقتدارگرایی دولتها و تضعیف نهادهای مذهبی است و در سطح بین‌المللی موج بحران هژمونی نئولیبرالیسم و روند جهانی‌شدن را با چالش جدی مواجه ساخته است. بر این اساس می‌توان گفت سه نیروی مادی و عقیدتی وجود دارد که هم اکنون پایه‌های نظم لیبرال موجود را متزلزل می‌کنند. اول اینکه تحکیم اقتدارگرایی باعث از بین رفتن محبوبیت ایدئولوژی لیبرال و تغییر چشم‌انداز آن در سراسر جهان می‌شود. ویژگی این نیروی اول با انعطاف‌پذیری استبدادی، خودکارسازی و تحکیم مدل‌های سیاسی-اقتصادی اقتدارگرا به رهبری چین و سایر چالش‌ها است. دوم، تشدید ناسیونالیسم که توسط سیاست‌گرایان ناسیونالیست و پوپولیست فراهم شده است، و به محبوبیت و اقتدار نهادهای بین‌المللی مستقر تحت سلطه غرب که از چندجانبه‌گرایی و همبستگی جهانی آسیب رسانده است. موج ملی‌گرایی همچنین کشورها را به سمت انتخاب تصمیماتی منطبق با ملیت خود، از دو دیدگاه مادی و ایدئولوژیکی سوق می‌دهد. سوم، کرونا رقابت بین قدرتهای بزرگ، از جمله ایالات متحده امریکا، اتحادیه اروپا و چین را را شدت بخشیده است (Huang, 2020: 3).

بنابراین ویروس کرونا، لیبرالیسم را به عنوان مکتب فکری مسلط چند دهه اخیر به چالش کشیده است. در حال حاضر شیوع و همه‌گیری ویروس کرونا، ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهانی را که محصول تداوم و گسترش مراودات در عصر ارتباطات بود، به چالش کشیده و در حال تخریب آثار جهانی‌شدن است. جهانی‌شدن از پایان و تضعیف دولتها سخن راند، اما کرونا ثابت کرد که این ایده درست نیست، بلکه همه انتظار داشته و دارند که دولت با همه توان و با قدرت پرچمدار مبارزه با کرونا شود (شمسینی‌غیاثوند و جهانگیری، ۱۳۹۹: ۴). همچنین جهانی‌شدن مبتنی بر ایده مرزهای باز است که توسط اقتصاد و جوامعی انجام می‌شود که به طور فزاینده‌ای در مقیاس جهانی با یکدیگر تعامل دارند (Speck, 2020: 2). مهم‌ترین تأثیر جهانی‌شدن در حوزه اقتصاد، خود را در قالب تجارت آسانتر کالا و خدمات در سایه حذف تعرفه‌های گمرکی و اصل آزادی تجارت به نمایش گذاشت. آنچه در فرایند شیوع کرونا خود را نشان داد مختل کردن این

فرایند و ایجاد محدودیت بر سر راه صادرات و واردات کشورها بود (Burns, 2020: 2). این ویروس نشان می‌دهد که جهانی‌سازی و گردش آزاد انسان، کالا و کنترل‌های ضعیف مرزی امکان گسترش سریع ویروس را فراهم می‌سازد (حقیقت، ۱۳۹۹: ۲).

همچنین ویروس کرونا، اجرای حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق تجارت بین‌الملل را دچار مشکل کرده است. دولتها به بهانه‌ی مقابله با فراگیری ویروس کرونا، مرزهای خود را بسته‌اند و بازرگانان و تجار و صاحبان صنایع و شرکتهای حمل و نقل تقریباً از کار باایستاده‌اند (بیگزاده و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴). این امر همچنین باعث شده است که صنعت گردشگری به شدت آسیب ببیند و خطوط هوایی پروازها را قطع و گردشگران سفر و تعطیلات تجاری را لغو کنند (متی، ۱۳۹۹: ۱۷۴).

به اعتقاد نوام چامسکی (Noam Chomsky) گسترش کرونا به عنوان یک ناکامی بزرگ برای نسخه نئولیبرال سرمایه‌دار است و به مثابه شکست نظم اقتصادی مسلط تلقی می‌شود (Magdaleno, 6 May 2020). این شکست موجب تضعیف سه رکن اصلی نظام لیبرال شده است: نهادهای بین‌المللی قوی که می‌توانند رفتار دولت را تغییر دهند، یک اقتصاد بین‌المللی باز که تجارت آزاد را به حداکثر برساند و گسترش دموکراسی در سراسر جهان (Lika, 2020: 14). بدین ترتیب واقع‌گرایان معتقدند با تضعیف پایه‌های اساسی نظام لیبرال-دموکراسی رو به رو هستیم و این روند در دوره بعد از کرونا نیز ادامه خواهد یافت.

۳. همه‌گیری جهانی ویروس کووید ۱۹ و الگوی رفتاری-تعاملی بازیگران

نظام بین‌الملل

یکی از مسائل مهم و مورد تأکید واقع‌گرایان این است که در نبود حکومت مرکزی جهانی، رقابت بر سر منافع ملی و تخصیص هرچه بیشتر منابع کمیاب در عرصه بین‌المللی، به الگوی رفتاری-تعاملی بازیگران نظام بین‌الملل تبدیل می‌شود و نهادها و سازمان‌های بین‌الملل همچنین رژیم‌ها و حقوق بین‌الملل نمی‌توانند مانع رقابت، تعارض، و ستیزش دولتها بشوند. در ذیل به تأثیر همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ بر احیای برخی از اصول و مفروضه‌های واقع‌گرایی و سپس تأثیر آن بر نحوه تعاملات کشورهای جهان، بویژه قدرتهای بزرگ پرداخته می‌شود.

تأثیر همه‌گیری جهانی ویروس کووید ۱۹ ... (ابوذر عمرانی و جواد مرادی) ۱۴۹

۱.۳ شیوع ویروس کووید ۱۹ و احیای اصول و مفروضه‌های تئوری واقع‌گرایی

با شیوع ویروس کووید ۱۹ بسیاری از اصول و مفروضه‌های تئوری واقع‌گرایی مورد توجه کشورها و به نوعی مجدداً احیا گردید. در ذیل به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود.

۱.۱.۳ دولت‌ها بازیگر اصلی

به اعتقاد والت، بحران کرونا بار دیگر نشان داد که هنوز هم دولت‌ها یگانه بازیگر اصلی برای حفظ امنیت و جان مردم خود هستند و شهروندان نیز در چنین مواقعی همین نگاه را به دولت‌ها دارند (Walt, 2020: 1). در عرصه خارجی، قبلاً تصور می‌شد که با توجه به جهانی شدن، دیگر نمی‌توان دولت‌ها را محدود به حاکمانی کرد که بر مرزهای مشخصی مسلط باشند، بلکه آنها لایه لایه، غیرمتمرکز و بین‌المللی هستند، اما شیوع کرونا این تصور را به چالش کشید. در عرصه داخلی نیز پیشتر وضعیت مطلوب در مورد نقش دولت‌ها مبتنی بر الگوی لیبرال بود که بر مداخله حداقلی آنها تأکید می‌کرد و در سطح جهانی بیشتر تبلیغ و پذیرفته می‌شد. شیوع کووید ۱۹ این الگو را به چالش کشید و مردم در داخل کشورها چشم به دست دولت‌ها و تصمیمات آنها دوختند. به تعبیر والت در سراسر جهان شهروندان برای ارائه اطلاعات معتبر و طرح پاسخ کارآمد به مقامات دولتی می‌نگرند (والت، ۱۳۹۸: ۲۲).

۲.۱.۳ اقتدارگرایی دولت‌ها

رکود اقتصادی عمیقی که به دلیل اقدامات صورت گرفته از سوی دولت‌ها برای مقابله با همه‌گیری ویروس کرونا صورت گرفته است، می‌تواند در صورتی که دولت‌ها قول نظم و امنیت اقتصادی را بدهند، آمادگی عموم مردم کشورهای جهان را برای پذیرش مدل‌های اقتدارگرایانه دولت افزایش دهد. از این گذشته، این یک واقعیت است که رهبران اقتدارگرا در شرایط ترس و بحران رشد می‌کنند. در حالی که صندوق بین‌المللی پول هشدار داده است که اقتصاد جهانی در بدترین رکود اقتصادی پس از رکود بزرگ ۱۹۲۱ قرار دارد (Lika, 2020: 16). اولویت نیازهای اجتماعی و مبارزه با ویروس کرونا، آزادی‌های فردی را نیز تحت الشعاع قرار داده و دولت اقتدارگرا را توجیه کرده است (Legrain, 2020: 4). در

این راستا در اواخر آوریل ۲۰۲۰، بیش از ۸۴ کشور قوانین اضطراری را تصویب کرده‌اند تا به مجریان قدرت بیشتری برای مدیریت ویروس کرونا بدهند. تحقیقات نشان می‌دهد که موارد اضطراری اغلب با افزایش خطر خودکامگی مرتبطند (Huang, 2020: 12).

۳.۱.۳ ملی‌گرایی

وقتی مردم برای مدیریت اوضاع تهدیدآمیز ناشی از بحران‌ها به دولتها اعتماد می‌کنند، اولویت نقش دولت افزایش می‌یابد. این ضروریات منجر به ظهور ملی‌گرایی خواهد شد که بر رابطه همزیستی بین ملت و دولت تأکید دارد. به گفته محققان، بحران‌های بهداشتی، مانند سایر بحران‌ها، می‌تواند احساسات ملی‌گرایانه افراد را برانگیزد و انسجام بیشتری را در داخل کشورها ایجاد کرده و همزمان رقابت و خصومت را بین کشورها بیشتر کند (Su & Shen, 2020: 170). همانطور که واقع‌گرایان انتظار دارند، هنگام بروز بحران‌ها، ابتدا شهروندان به سازمان‌های بین‌المللی، حتی سازمان بهداشت جهانی یا NGO ها مراجعه نمی‌کنند. این دولتهای ملی خودشان هستند که شهروندان می‌خواهند اقدامات لازم را برای محافظت از آنها در برابر تهدید و تأمین اقدامات امدادی انجام دهند (Kliem, 2020: 2).

۴.۱.۳ شکل‌گیری منافع ملی

به تبع شکل‌گیری ناسیونالیسم دولتها مترصد استفاده از موقعیت‌ها برای افزایش منافع ملی خود هستند. این مسئله نشان می‌دهد که رویکرد واقع‌گرایی بر سیاست خارجی کشورها حاکم است. به عنوان نمونه بیماری همه‌گیر به این کشورها اجازه می‌دهد مواضع خود را تقویت کرده و مدل‌های سیاسی - اقتصادی خود را در سطح جهانی ارتقا دهند. به عنوان مثال در مورد چین، که توانست زودتر از سایر کشورها از پیامدهای کووید ۱۹ رها شود، این کشور تلاش کرده است تا با ارسال تیم‌ها و منابع پزشکی به کشورهای مختلف در سراسر جهان «جاده ابریشم سلامت» (health silk road) را ایجاد کند. بر اساس گزارشی که توسط دفتر اطلاع‌رسانی شورای دولتی چین منتشر شد، این کشور از ژوئن ۲۰۲۰ به ۱۵۰ کشور و ۴ سازمان بین‌المللی پیشنهاد کمک یا کمک کرده است. قدرتهای بزرگ غربی از این تلاشها به دلیل قصدشان برای سوءاستفاده از بیماری همه‌گیر و پروژه تأثیرگذاری جهانی چین انتقاد کرده‌اند (Huang, 2020: 13). در این راستا چین با ارسال کمک به کشورهایی

تأثیر همه‌گیری جهانی ویروس کووید ۱۹ ... (ابوذر عمرانی و جواد مرادی) ۱۵۱

مانند ایتالیا که در اثر ویروس متحمل خسارات انسانی زیادی شده‌اند، نفوذ و قدرت نرم خود را ایجاد می‌کند (Abdulrazaq, 2020: 4).

از همین رو، کشورها در عرصه بین‌المللی در شرایط فعلی صرفاً به فکر کسب وجهه در میان شهروندان و منافع ملی خود هستند. به عنوان مثال، در مورد کشور چین که مطرح شد، حتی زمانی که چین به کشوری چون ایتالیا کمک‌های رایگان بهداشتی ارسال می‌کند، هدف واقعی در اینجا القای این نکته به ذهن شهروندان و سایر دولتهاست که حتی اروپا نیز به کمک ما نیازمند است. در واکنش به چنین رویکردی، دول اروپایی نیز این تصویر را در ذهن متحدان و شهروندان خود ساخته‌اند که اگر چین شیوع بیماری کرونا را پنهان نمی‌کرد، سایر کشورها درگیر این ویروس نمی‌شدند (Busby, 2020: 2). بدین ترتیب با همه‌گیری ویروس کووید ۱۹، بسیاری از اصول و مفروضه‌های واقع‌گرایانه، که به برخی از آنها اشاره شد، پررنگ شده و مجدداً دارای اهمیت و کاربرد شده است. در ادامه به تأثیر همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ بر رفتار بازیگران تأثیرگذار بین‌المللی پرداخته می‌شود.

۲.۳ الگوی رفتاری تعارضی کشورها در دوره همه‌گیری ویروس کووید ۱۹

در این بخش به تأثیری که بحران همه‌گیری بر نحوه تعاملات بین کشورها ایجاد کرده است پرداخته می‌شود.

۱.۲.۳ رقابت و تعارض بین قدرت‌های بزرگ

در مورد بحران کرونا و تأثیر آن بر نقش قدرتهای بزرگ باید به طور خاص به رفتار و رویکرد آمریکا و چین پرداخت. هرچند برخی از متفکرین، آمریکا را ابرقدرت بلامعارض پس از جنگ سرد می‌دانند، اما برخی نیز معتقدند که با فروپاشی شوروی، چین به عنوان مستعدترین نامزد رقابت با آمریکا تلقی شده و در همین چارچوب حتی ایده چایمیریکا (Chimerica) شکل گرفت که حاکی از مدیریت مشترک امور جهانی توسط چین و آمریکا بود. با این حال، بحران کرونا هم برای آمریکا و هم برای چین تبدیل به آزمونی دشوار شد و باعث گردید که این دو کشور به طور متقابل از سوی یکدیگر و به طور جهانی از سمت سایر دولتها و بازیگران بین‌المللی مورد انتقاد واقع شدند و حتی برخی از پایان چایمیریکا صحبت کنند (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۳۶۵). چین و آمریکا که قبل از شروع کرونا وارد یک

جنگ تجاری نیز شده بودند، در مرحله مهم و سرنوشت‌سازی از روابط قرار گرفتند که به گفته دیوید زوییک، (David Zweig) استاد علوم و فناوری دانشگاه هنگ‌کنگ، «بسیار دراماتیک و خطرناک» است و در سال ۲۰۲۰ وارد بحث «مرگ و زندگی» شده است. در این چارچوب، شی بین هنگ، (Shi Yinhong) مشاور دولت چین، حتی مدعی شد که وضعیت رقابت و درگیری دو کشور در شرایط کرونا اکنون همه‌جانبه شده و نه تنها نشانه‌های جدایی و گسست در دوران پاندومی افزایش یافته است، بلکه موجب شده است که روابط آمریکا و چین به پایین‌ترین حد ممکن از سال ۱۹۷۲ به این سو برسد (شریعتی و یوسفی، ۱۳۹۹: ۱۲۹).

همانطور که جامعه جهانی و اقتصاد جهانی با کووید ۱۹ دست و پنجه نرم می‌کنند، آمریکا به‌طور فزاینده‌ای بر چین فشار می‌آورد و روابط بین دو ابرقدرت را متشنج می‌کند. هنگامی که کرونا در چین ظاهر شد، ترامپ به سرعت اقدام به اعمال محدودیت‌های سفر در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ کرد. در واقع از ورود کلیه خارجیانی که طی ۱۴ روز قبل از چین بازدید کرده بودند، جلوگیری کرد. بعداً، هنگامی که تعداد مرگ و میر در آمریکا افزایش یافت، ترامپ، جریمه نکردن چین را در مراحل اولیه شیوع ویروس سرزنش کرد. ترامپ کووید ۱۹ را ویروس چینی نامید. دولت وی نظریه‌ای را تأیید کرد که ویروس کووید ۱۹ ریشه در مؤسسه ویروس‌شناسی مستقر در ووهان دارد، و این بدان معنی است که این ویروس عمداً توسط چین ساخته شده است (Fayyaz & Malik, 2020: 75).

بعد از اینکه آمریکا چین را مقصر اصلی شیوع ویروس کرونا در جهان نامید، خصومت بین چین و ایالات متحده به گونه‌ای زیاد شد که خطر یک درگیری مسلحانه ظاهر شده بود (Huang, 2020: 19). نامیدن ویروس چینی بر مبنای اصول و مفروضه‌های تئوری واقع‌گرایی و بر این اساس است که در هزینه‌های دولت صرفه‌جویی شود و دیگران مقصر جلوه داده شوند (Fareedi, 2020: 2). امروز هر قدرت بزرگ با یک رویکرد واقع‌گرایانه سنتی در سیاست قدرت هدایت می‌شود که بر این مبنا همکاری را نیز بر مبنای رقابت می‌سنجند و آن را بر مبنای بازی حاصلجمع صفر ارزیابی می‌کنند. به‌عنوان مثال، چین در میان این بیماری وام و کمک به کشورها ارائه داده است و در بحران فرصتی می‌بیند تا، همانطور که رابرت اوبراین، (Robert O'Brien) مشاور امنیت ملی آمریکا، بیان می‌دارد: «ایالات متحده را به عنوان قدرت جهانی پیشرو» به عقب براند. در حالی که به نظر می‌رسد

تأثیر همه‌گیری جهانی ویروس کووید ۱۹ ... (ابوذر عمرانی و جواد مرادی) ۱۵۳

برجسته‌ترین مدافعان نظم فعلی یعنی آمریکا و اروپا، به هم‌ریخته و دارای شکاف شده‌اند، چین با پر کردن شکاف داخلی و تقسیم‌بندی داخلی غرب، فرصتی برای افزایش تأثیر جهانی خود می‌بیند (Huang, 2020: 18). در مقابل استراتژیست‌های سیاست خارجی آمریکا نیز دیدگاهی فرصت‌طلبانه اتخاذ کرده‌اند. به عنوان مثال دانیل توئینینگ (Daniel Twining) و پاتریک کوئیرک (Patrick Quirk) از انستیتوی بین‌المللی جمهوری‌خواه، (International Republican Institute) توصیه کردند که آمریکا از این فرصت استفاده کند و «مسیر دموکراتیک جهان پس از همه‌گیری را به‌شدت حمایت کند و در برابر رشد استبداد با اجرای یک استراتژی ملی که بر پیروزی رقابای سیاسی افراد مستبد در سیستم‌های سیاسی متمرکز است مقابله کند» (Gvosdev, 2020: 2).

جمهوریخواهان در کنگره در گزارش آمریکا در مورد وضعیت جهانی، اینطور گفتند که در آن از همکاران خود خواسته بودند که اجازه ندهند همکاری بین‌المللی علیه کووید ۱۹ اجازه دهد پکن، مسکو یا تهران مواضع ژئوپلیتیک فعلی خود را به ضرر منافع آمریکا تحکیم کنند. در واقع، علی‌رغم افزایش هزینه‌های داخلی برای مراقبت‌های بهداشتی و بهبود اقتصادی، ایالات متحده هنوز معتقد است که می‌تواند هزینه‌های تازه‌ای را برای حفظ و حتی گسترش مزایای نظامی و استراتژیک آمریکا در برابر ضعیف کردن هرچه بیشتر چین، اختصاص دهد. به‌نوبه خود، چین معتقد است که بیماری همه‌گیر توانایی آمریکا در طرح قدرت در شرق آسیا را محدود می‌کند و بنابراین می‌تواند توازن قدرت منطقه‌ای را به نفع خود بیشتر تغییر دهد (Gvosdev, 2020: 5). بنابراین تعجب‌آور نیست که ایالات متحده و چین به جای همکاری در تلاشند موقعیت خود را در صحنه جهانی و با هزینه دیگری تقویت کنند.

دولت ترامپ سعی کرد برای پذیرش مجدد روسیه در گروه هفت لابی کند، همچنین در حالی که اعضای دیگر این اتحادیه مخالف حضور شورهای مثل هند، استرالیا، کره جنوبی و برزیل هستند، آمریکا سعی می‌کند این کشورها را هم به گروه هفت اضافه کند. همه این تلاشها به این دلیل است که چین را از این امر جدا و منزوی کند. پس از خروج ناگهانی دولت ترامپ از سازمان بهداشت جهانی، چین تلاش کرد تا خلا گروه هفت را پر کند و نوعی نقش رهبری جهانی را که معمولاً توسط واشنگتن انجام می‌شود، به‌عهده بگیرد (Gvosdev, 2020: 5). در هر صورت این دو کشور در هنگامه پاندمی کرونا با یکدیگر دچار

تعارض هستند و این مسئله باعث شده که همکاری‌های بین‌المللی برای مهار کرونا شکل نگیرد. بنابراین تغییر در نظم جهانی با روابط دوجانبه آشفته بین قدرتهای بزرگ که اخیراً و بیشتر پس از همه‌گیری کووید ۱۹ مشاهده شده است، منجر به عدم همکاری بین‌المللی در مدیریت این ویروس شده است (Javed & Chattu, 2020: 2).

این یک قاعده است که قدرت‌های بزرگ برای حفظ خود و منابع در یک فضای بین‌المللی آنارشیک رقابت می‌کنند. فقط قوی‌ترها واقعاً حاکم هستند و سایر کشورها در میدان قدرت‌های بزرگ در راستای برتری‌طلبی آنها قرار می‌گیرند. قوانین و نهادهای بین‌المللی برای قدرتهای حاکم تا حدود زیادی الزام‌آور نیستند، در بهترین حالت آنها ابزاری برای کسب امتیاز در برابر رقبا هستند. این دیدگاه به شدت در زمان پوتین در روسیه برقرار است و به نظر می‌رسد که چین تحت رهبری شی جینگ پی با وجود همه شعارهای چندجانبه‌گرایی، همان مسیر را دنبال می‌کند (Speck, 2020: 1). همانطور که دانشمند سیاسی تاریک اوگوزلو (Tarik Oguzlu) استدلال کرده است، جهان در دوره «چند قطبی مورد مناقشه» (contested multipolarity) قرار دارد، که در آن چالشگران هژمونی ایالات متحده برای نفوذ در صحنه بین‌المللی رقابت می‌کنند. او می‌نویسد، کرونا باعث تشدید رقابت شده و قدرت‌های بزرگ را از تاکتیک‌های قدرت نرم مانند نفوذ و قدرت جذب به سمت، «قدرت تیز یا تند» (sharp power) که با زور و اجبار همراه است سوق داده است. به همین دلیل روسیه و چین تلاش‌های خود را برای متقاعد کردن مردم جهان و همچنین دولت‌های خود برای محتاط بودن در مورد اظهارات آمریکایی تسریع کرده‌اند، سخنانی جدیدی مطرح می‌کنند که می‌گوید ایالات متحده تعهدات خود در قبال توافقنامه‌های بین‌المللی و حتی متحدان خود را حفظ نمی‌کند و بنابراین یک «متحد ضعیف» محسوب می‌شود (Gvosdev, 2020: 5). در عمل نیز ایالات متحده این عملکرد را نشان داده است.

امریکا با شیوع کرونا حتی نزدیکترین متحدان خود را رها کرده است. وقتی همه سفرها را از طریق اتحادیه اروپا ممنوع کرد، حتی اطلاع قبلی نداد، چه رسد به اینکه در مورد این اقدام شدید با اتحادیه اروپا مشورت کند. البته این مسئله به یک رویکرد کلی تبدیل شده است و همه کشورها این‌گونه عمل می‌کنند. یعنی اینکه به جای همکاری در یک برنامه مشترک برای به اشتراک گذاشتن تخصص و افزایش در دسترس بودن تجهیزات پزشکی، ممنوعیت صادرات، به تملک در آوردن غیرقانونی تجهیزات و رقابت‌های شدید برای

ساخت واکسن ایجاد شده است. در واقع به جای همکاری برای تولید واکسن با هم، «ملی‌گرایی واکسن» اتفاق افتاده است، کشورها به‌طور یک‌جانبه برنامه‌های تحقیقاتی مستقل را دنبال می‌کنند، حتی تلاش می‌کنند تیم‌های تحقیقاتی از کشورهای دیگر را بگیرند (Brown & Susskind, 2020: 67). مثلاً ایالات متحده با ادعای پیشنهاد ۱ میلیارد دلار به یک شرکت دارویی آلمان برای خرید حق انحصار واکسن جدید کووید ۱۹، سعی کرده است انحصار تولید واکسن را به دست بیاورد (Harari, 2020: 7). بنابراین کشورهای مختلف سعی در کسب منابع کمیاب بین‌المللی به سود خود و به ضرر دیگران دارند.

استفان کراسنر (Stephen Krasner) نوشت که این نبردهای توزیعی بین‌المللی مانعی برای همکاری است. واقع‌گرایان دیگری مانند جوزف گریکو (Joseph Grieco) در بحث از چگونگی مشغول شدن دستاوردهای نسبی در برخی کشورها، این نگرانی‌ها را تکرار کردند (Busby, 2020: 2). قدرت‌های بزرگ - ایالات متحده آمریکا، چین، روسیه و اتحادیه اروپا - می‌توانند منابع‌شان را بیش از سایر دولت‌ها بسیج کنند. اگر این چهار مورد با یکدیگر همکاری کنند، احتمالاً می‌توانند سریعتر بر بحران غلبه کنند که به نفع اقتصاد جهانی خواهد بود و می‌توانند به دیگران کمک کنند، اما روند کنونی افزایش رقابت بین قدرت‌های بزرگ است، و ویروس کرونا آن را شدت داده است. این یک واقعیت است که بسیاری از قدرت‌ها از بحران‌ها به صورت یک ابزار برای رقابت با یکدیگر استفاده می‌کنند (Biscop, 2020: 231). به‌طور خلاصه، از نظر توازن قدرت، همه‌گیری کووید ۱۹ احتمالاً رقابت امنیتی را در جهانی که قبلاً چندقطبی برگزار شده است، تقویت می‌کند. اسکورت و ساییل پزشکی روسیه به همراه سربازانش به ایتالیا و تصاویر سربازان روسی در خیابان‌های یک کشور عضو ناتو نمایی نمادین از این رقابت امنیتی است (Lika, 2020: 13). با این توضیحات دستیابی به ایجاد استراتژی‌های برد-برد از طریق رویکردهای چندجانبه از جانب قدرت‌های بزرگ بسیار دشوارتر می‌شود.

۲.۲.۳ رقابت دیگر کشورها

در حالی که رهبران دنیا با ذهنیت بین‌المللی در مواجهه با یک تهدید مشترک بی‌سابقه، سخنان خوبی راجع به لزوم همکاری‌های فراملی بیان کردند، اما در عمل اقدامات آنها نشان داده تنها به منافع کشورهای خود می‌اندیشند. در اتحادیه اروپا، آلمان یکی از نخستین کشورهایی بود که در روزهای آغازین بحران همه‌گیری کرونا در اروپا از صادرات اقلام

پزشکی به کشورهای دیگر ممانعت به عمل آورد و مرزهای خود را بر روی کشورهای دیگر بست. اندیشه‌های انترناسیونالیسم لیبرال رئیس جمهور فرانسه و صدر اعظم آلمان، آنگال مرکل و تعهد به اتحادیه اروپا موجب نشد که هیچ یک از ۲۶ دولت دیگر اتحادیه اروپا به درخواست فوری ایتالیا برای کمکهای پزشکی پاسخ مثبت دهند. دلیل فوت اغلب مبتلایان به کرونا در ایتالیا و اسپانیا در اوایل همه‌گیری کمبود دارو و تجهیزات پزشکی عنوان شده است (Legrain, 2020: 4). وقتی ایتالیا از شرکای اروپایی خود درخواست ماسک و تجهیزات کرد، آنها با بستن مرزهای خود و احتکار لوازم پزشکی برای مصارف خانگی به آنها پاسخ دادند (Huang, 2020: 17).

با گسترش بیماری، بسیاری از دولتهای لیبرال غربی محدودیت‌هایی در زمینه سفر و تجارت وضع کردند. فرانسه و آلمان در بازار آزاد بدون محدودیت اتحادیه اروپا، صادرات اقلام پزشکی مانند ماسک صورت را ممنوع اعلام کردند. دولت اسپانیا و ایرلند، بیمارستانها و کلینیک‌های خصوصی را ملی نموده، مدیریت خدمات بهداشتی خصوصی را به دست گرفته و تجهیزات پزشکی را به نفع دولت توقیف کردند. دولت ایتالیا صادرات دستگاه‌های تنفسی را ممنوع اعلام نمود و همه خدمات بهداشتی و پزشکی خصوصی و تجهیزات آنها را در اختیار خود گرفت. برخی کشورها از جمله هند صادرات تجهیزات پزشکی و دارو را ممنوع کرده و برخی دیگر مانند روسیه، ویتنام و کامبوج برای صادرات مواد غذایی محدودیت قائل شدند. اتحادیه اروپا از کشورهای عضو درخواست نمود تا از پذیرش سرمایه‌گذارهای خارجی جدید که بر تأمین تجهیزات یا مواد بهداشتی مورد نیاز شهروندان اثر منفی می‌گذارد خودداری نمایند (بهمنی و شهبازیان، ۱۳۹۹: ۲۴۸). در شرایطی که قبل از شروع شیوع ویروس کووید ۱۹، تولیدکنندگان چینی نیمی از ماسکهای پزشکی دنیا را می‌ساختند، به دلیل بحران کرونا تولید خود را افزایش دادند. اما دولت چین تمام ماسکهای موجود در بازار را خرید. افزون بر آن مقادیر زیادی ماسک و دستگاه تنفس از خارج کشور نیز وارد کرد. نتیجه خرید این اقلام پزشکی، بحران عرضه بود که مشکلات کشورهای دیگر در تأمین این کالاهای حیاتی را افزایش داد (Farrell & Newman, 2020: 4). تا جایی که برخی کشورها ناچار به ربودن ماسک از دیگران شدند.

به‌عنوان نمونه دعوا بر سر تأمین ماسک که در محافل سیاسی و رسانه‌ای به «جنگ ماسک» معروف شد رخ داد. اگرچه واکنش‌ها به ربوده شدن محموله ماسک سفارش داده

شده برای پلیس برلین توسط امریکا، تحت فشار ایالات متحده تلطیف شد، این اقدام امریکا البته به آلمان‌ها آموخت که باید به دنبال «تهیه حرفه‌ای» ماسک بود (کوهکن و مالکی، ۱۳۹۹: ۹۶). این مسئله نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته دموکراتیک در اروپا و آمریکای شمالی درگیر تنش‌های مکرر، تنش بر سر تقسیم منابع مانند ماسک، تجهیزات حفاظتی و وتیلاتورها بوده و نسبتاً اقدامات اندکی برای اقدامات جمعی انجام داده‌اند (Basrur & Kliem, 2020: 5). در هر صورت با توجه به تجهیزات پزشکی و دارویی محدود و کشورهای مختلف که به طور همزمان با شیوع بیماری مبارزه می‌کنند، شاهد تلاش‌های رقابتی کشورها برای اختصاص هرچه بیشتر منابع بوده‌ایم تا اینکه همبستگی جهانی را در نظر بگیریم (Busby, 2020: 3). در روزگار کرونا، تبدیل به عرصه تشدید رقابت میان دولتهای ملی و کاهش جذابیت شعارهایی همچون همگرایی جهان و جهانی‌شدن هستیم. یکی از عرصه‌های این رقابت، آغاز مسابقه کشورها در واکسن‌سازی و کشف داروی مناسب برای این ویروس است. رقابت بر سر تولید و توزیع واکسن رخ داده است. به جای همکاری و هماهنگی بین‌المللی به طور فزاینده‌ای شاهد رویکردهای حمایت‌گرایانه هستیم که توسط منطق کشور- ملت هدایت می‌شود (Taylor Woods and others, 2020: 821).

پاسخ کاملاً ملی به یک بیماری همه‌گیر جهانی در دامنه این گزاره واقع‌گرایانه جای دارد که دولتها در یک جهان خودیاری عمل می‌کنند. همانطور که بورهاننتین دوران (Burhanettin Duran) به صراحت گفته است: «کشورهایی که تجهیزات پزشکی یکدیگر را مصادره کرده‌اند، از یک جنگ اقتصادی تا مرگ عقب نخواهند نشست». در واقع، رقابت اقتصادی از این نظر بسیار مهم خواهد بود زیرا، قدرت اقتصادی عنصر سازنده قدرت نظامی است. کشورها نهایت تلاش را خواهند کرد تا عواقب اقتصادی همه‌گیری را محدود کنند تا باعث کاهش قدرت نظامی نسبی خود نشوند (Lika, 2020: 13).

به‌طور کلی همه‌گیری ویروس کرونا رقابت‌های پیشین را تقویت کرده است، زیرا رهبران و شهروندان آنها معتقدند که اعتماد به جامعه بین‌المللی بی‌شکل و بی‌قاعده برای تضمین امنیت و رفاه ملی یک پیشنهاد خطرناک است (Gvosdev, 2020: 1). همانطور که دن گوتلیب (Dan Gottlieb) و موردخای کیدار (Mordechai Kedar) در تحلیل روابط منطقه‌ای در خاورمیانه استدلال کرده‌اند، ویروس کرونا «مفهوم برادری، تعهد متقابل و همبستگی را به عنوان شعارهای توخالی» از بین برد. در عوض، هر دولت «با ادامه ویرانگری کرونا»،

تلاش خود را برای زنده ماندن از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متمرکز کرده است و به شدت در این مسیر با هم رقابت می کنند (Gvosdev, 2020: 4). بنابراین می توان گفت کشورهای مختلف به جای همکاری های فراملی به منظور مبارزه دسته جمعی با کرونا، بر شدت رقابت های خود افزوده اند.

۳.۲.۳ رقابت جریان لیبرال و اقتدارگرا

اینطور به نظر می رسد که شیوع ویروس کرونا و عدم تمایل ایالات متحده به مدیریت عرصه جهانی و ارائه کالاهای عمومی، این موقعیت را نصیب کشورهایی با سیستم اقتدارگرا قرار داده تا بتوانند از این خلأ استفاده کنند و با ارائه کمکها و حمایت های مختلف از کشورهای نیازمند و آسیب دیده، با تولید قدرت نرم، سیستم حکومتی خود را نیز تبلیغ کنند، کما اینکه اقتدارگرایان نشان داده اند که در عمل موفقیت بیشتری نسبت به دموکراسی ها در مبارزه با ویروس کرونا و مهار آن دارند. بنابراین می توان گفت پاندمی کرونا عرصه رقابت بین این دو ایدئولوژی را نیز فراهم آورده است.

قدرت های در حال ظهور همچنین می توانند تصاویر و ایده های خود را در سطح جهانی تبلیغ کنند، کالاهای سیاسی، اقتصادی و نظامی را به مشتریان و شرکای خود در سراسر جهان ارائه دهند و از مدل های اقتصادی-اقتصادی جایگزین خود در صحنه جهانی حمایت کنند. به عبارت دیگر، آنها برای فروش مدل های خود در بازار جهانی منابع اقتصادی، امنیت، کمک و ایدئولوژی با یکدیگر رقابت می کنند (Huang, 2020: 7). برای پیچیدگی بیشتر ماجرا، چالشگران نظم فعلی از همه گیری استفاده کرده و ادعا می کنند که سیستم ها و ایدئولوژی های سیاسی خود، که به نظر ناسازگار با معیارها و ارزش های غربی است، موفقیت بیشتری به همراه دارد. ایکنبری ادعا می کند که چین و روسیه الگویی ندارند که برای بقیه مردم جهان جذاب باشد. چین و روسیه در حال حاضر به ارائه دهندگان کالاهای جایگزین مانند کمک های توسعه ای و امنیت نظامی تبدیل شده اند که قبلاً توسط قدرت های بزرگ غربی در اختیار قرار داشته است. اکنون، آنها با استفاده از چنین اهرمهایی نظم لیبرال به رهبری ایالات متحده را به مبارزه می طلبند، ساختارهای موازی دولت جهانی را تحت سلطه کشورهای استبدادی قرار می دهند و با ساختارهای قدیمی تر و لیبرال تر رقابت می کنند. کشورهایی که از نفوذ رو به رشد چین استقبال می کنند شامل کشورهای مهم خودکامه در اروپای مرکزی و شرقی، از جمله صربستان، مجارستان و جمهوری چک

می‌باشند. در نتیجه، چین می‌تواند از روابط متقابل خود با گیرنده‌های کالاهای پزشکی استفاده کند و از مدل سیاسی-اقتصادی اقتدارگرا خود در برابر مدل لیبرال غربی حمایت بیشتری کند. علاوه بر این، تشدید ناسیونالیسم در دموکراسی‌ها و خودکامگی‌ها، تحکیم اقتدارگرایی و مدل‌های اقتصادی - استبدادی را در طی همه‌گیر شدن بیشتر تقویت می‌کند (Huang, 2020: 13). ارائه منابع و کالاهای جایگزین، همراه با عدم وجود شرطی سیاسی که از ارزشهای لیبرالی حمایت می‌کند، به طور فزاینده‌ای در میان اتوکراتها و خودکامه‌های نوظهور محبوب است. در نتیجه، چین به گسترش شبکه‌های کاری خود و گسترش فضای بین‌المللی برای مدل خود ادامه می‌دهد. در روند انجام این کار، چین با مقاومت قدرتهای غالب غربی روبرو شده است، اما همچنین موفقیت بیشتری را در سراسر جهان به دست آورده است (Huang, 2020: 16). البته بسیاری معتقدند که سیستم اقتدارگرایی کشورهایی مانند چین جذابیت لازم را برای پذیرش واقعی این ایدئولوژی ندارد، ولی بحران ناشی از پاندمی کرونا این موقعیت را برای کشورهای مختلف فراهم کرده است تا از حمایت اقتدارگرایان بزرگی مانند چین برخوردار شوند و در مبارزه با کرونا موفقیت‌هایی کسب کنند که به تثبیت این اقتدارگرایی کمک کند.

۴. نظام بین الملل در موقعیت پسا کرونا

یکی از مسائل اصلی مورد توجه متفکرین روابط بین‌الملل در دوره‌های مختلف این بوده است که چه تحولی در هستی، وضعیت و کنشگری بازیگران روابط/سیاست بین‌الملل رخ می‌دهد؟ در بحران کرونا نیز این امر بیش از هر موضوع دیگری در بین نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل مطرح شده است. رویکرد غالب این است که کرونا باعث قدرتمند شدن دولتها به‌عنوان بازیگران سنتی روابط بین‌الملل شده و بار دیگر آنها را احیا کرده است (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۳۶۱).

واقع‌گرایان، معتقدند جهان شاهد احیا و بازگشت دولت ملی و تقویت قدرت آن خواهد بود؛ جهانی شدن لیبرال مبتنی بر وابستگی متقابل تضعیف خواهد شد؛ بر پایه منطق خودپرستی و استقلال دولتها، به رغم ضرورت همکاری‌های بین‌المللی، آنها در دستیابی به آن ناکام خواهند ماند. به اعتقاد استفان والت، ما شاهد بازگشت دولتی ملی خواهیم بود؛ به گونه‌ای که دهکده جهانی که بر اثر جهان شدن ایجاد شده بود، در حال ضعیف شدن و

حتی خاتمه یافتن است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۳). البته سیاست‌های ملی‌گرایانه در طی شیوع بیماری، مانند بسته شدن مرزها، ممکن است پاسخ‌های موقتی منطقی باشند و بنابراین برای پیش‌بینی جهان پس از همه‌گیری قابل اعتماد نیستند. در مقابل، ملی‌گرایی به عنوان یک ایدئولوژی یا احساسات گروهی که توسط افراد مشترک است، ممکن است پس از بحران تأثیر نسبتاً طولانی مدت بر جهان داشته باشد (Su & Shen, 2020: 183).

می‌توان گفت آینده جهانی شدن تا حدود زیادی تحت‌الشعاع همه‌گیری ویروس کرونا در اوایل دهه ۲۰۲۰ قرار گرفته است، زیرا فضای سیاست جهان را در جهت‌های مخالف تغییر داده است. از یک سو، رهبران جهانی خواستار همکاری بیشتر در زمینه بهداشت جهانی هستند در حالی که از سوی دیگر، احساسات ملی‌گرایانه را برای کنترل دقیق مرزها علیه جهانی‌سازی تشدید می‌کنند (Yang and Chen, 2021: 89). از همین رو در نظم جهانی آینده پساکرونا شاهد روند رو به رشد ملی‌گرایی و در مقابل شاهد زوال هر چه بیشتر گلوبالیزم و هنجارهای مربوط به فرهنگ جهانی شدن خواهیم بود.

واقع‌گرایان معتقدند کرونا موجب جدایی استراتژیک کشورها خواهد شد. پس از بحران کرونا ما شاهد تشدید رقابت بین آمریکا و چین خواهیم بود. از یک سو، بحران کرونا می‌تواند موجب تسری روند عبور از جهانی‌شدن امریکایی شود. ایالات متحده گرچه اقتصاد برتر جهان باقی مانده، اما پرسش‌های زیادی در مورد قدرت مقابله آن با چالش‌های جدید مطرح شده؛ چرا که این قدرت بزرگ، از مقابله با بحران کرونا عاجز و ناتوان بود. زمانی که کووید ۱۹ به پایان برسد جهانی متفاوت از دنیایی که امریکایی‌ها به سکونت در آن عادت کرده بودند وجود خواهد داشت. فضای سیاست جهانی و روندهای حاکم بر اقتصاد جهانی همانند گذشته به نفع ایالات متحده نخواهد بود (Kadomtsev, 2020: 3). بنابراین شیوع ویروس کرونا بیش از هر چیز حکایت از کاهش نقش غرب در روند تحولات بین‌المللی و آینده نظام جهانی دارد.

تأثیر دیگر کرونا در سطح بین‌المللی، تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در روابط بین‌الملل است. به گونه‌ای که الگوهای تعامل بین بازیگران بین‌المللی دچار دگرش و دگرگونی خواهد شد. از یک سو، تعامل مثبت مبنی بر همکاری بین بعضی از قدرت‌های شرقی مانند ایران، چین و روسیه افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر، رقابت بین چین و هند تشدید خواهد شد. مهمتر از آن، الگوی رقابت بین آمریکا و چین ستیزشی‌تر خواهد

تأثیر همه‌گیری جهانی ویروس کووید ۱۹ ... (ابوذر عمرانی و جواد مرادی) ۱۶۱

شد. الگوی همکاری بین آمریکا و اروپا نیز تضعیف شده و الگوی رقابت بین این دو تقویت خواهد شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۵).

می‌توان گفت در دوره پسا کرونا، شاهد یک اختلال بزرگ در تمامی زیرساخت‌های جهانی خواهیم بود، بویژه رکود اقتصادی بی‌سابقه‌ای که در پیش رو است تأثیر مستقیمی بر سیستم سیاسی جهانی خواهد گذاشت. شیوع ویروس کرونا، رؤیای اروپای واحد و یکپارچه را بیش از هر زمان دیگری دور از دسترس کرده است. زیرا اتحادیه اروپا نمی‌تواند در زمان‌های بحرانی، یک مجموعه متحد واقعی باشد و یک بحران غیرمنتظره می‌تواند فلسفه وجودی اتحادیه اروپا را زیر سوال ببرد. به نظر می‌رسد پس از کرونا، روابط بین دولت‌های اتحادیه اروپا به سمت استقلال بیشتری حرکت کند (Roberts & Lamp, 2020: 2). و در پایان نیز باید گفت به باور واقع‌گرایان با شیوع این ویروس عالمگیر، زندگی انسان‌ها از نظر تحرک جسمی محدودتر و مجازیت‌تر از گذشته خواهد شد. جهان پراکنده‌تری شکل می‌گیرد که کمتر انعطاف خواهد داشت و مرزهای نفوذناپذیرتر کشورهای یکی از چشم‌اندازهای جهان پسا کرونا خواهد بود (Roberts & Lamp, 2020: 3). همچنین روشن است که تقسیمات ژئوپلیتیکی و منفعت‌طلبی دولت‌ها مانع تشکیل یک حکومت جهانی یا وقوع همکاری‌های گسترده بین‌المللی برای حل مشکلات خواهد بود.

۵. نتیجه‌گیری

شیوع ویروس کووید ۱۹ از خانواده کرونا ویروس از دسامبر ۲۰۱۹ از کشور چین به دیگر کشورهای جهان پیامدهای زیادی در ابعاد گوناگون برای جامعه بشری داشته است. پژوهش حاضر از میان این پیامدها سعی کرده است به تأثیر شیوع ویروس بر الگوی تعاملی دولت‌ها بپردازد. امروزه بسیاری بویژه نظریه‌پردازان لیبرال روابط بین‌الملل معتقدند در عرصه جهانی نظم لیبرال حکمفرماست. نظم بین‌المللی لیبرال بر چند پایه اساسی تکیه دارد. یکی از این پایه‌ها ایدئولوژی لیبرال است که بر ارزشها و هنجارهای دموکراتیک تأکید دارد. مورد دیگر، اصل چندجانبه‌گرایی می‌باشد که بر همکاری بین‌المللی و مدیریت امور بین‌المللی از طریق نهادهای چندجانبه تأکید دارد. همچنین باید به پایه‌ای اساسی شامل گروهی از مدافعان لیبرالیسم به رهبری هژمون اشاره کرد که با اهداف و تعهد مشترک برای حفظ ارزشها، هنجارها، اصول و نهادها با یکدیگر همکاری می‌کنند. این متغیرها باعث شکل‌گیری

وابستگی متقابل، فراملی شدن، رشد نهادهای بین‌المللی و دموکراسی در جهان شده است که در نتیجه جهانی شدن روز به روز اهمیت مضاعفی می‌یابد. این موارد باعث شده است که لیبرال‌ها آثار آنارشی در نظام بین‌الملل را تخفیف بدهند و به جای صحبت از منافع ملی دولتها، از منافع جهانی و منافع بشریت سخن به میان آورند. ولی بعد از شیوع ویروس کووید ۱۹ جهان شاهد نوع دیگری از رفتار کشورها چه در عرصه داخلی و چه عرصه خارجی بود. در عرصه داخلی کشورها با رجوع به خودیاری و ناسیونالیسم و همچنین ایجاد اقتدارگرایی، سعی در مدیریت بحران کردند. در عرصه خارجی نیز شاهد رقابت جدی کشورها برای کسب منابع محدود به منظور مقابله با بحران شدند. طی کمتر از دو سال از آغاز فرایند همه‌گیری کرونا تا به امروز رفتارهایی که ناشی از احیای اصول و مفروضه‌های واقع‌گرایانه است قابل مشاهده می‌باشد. رفتارهایی شامل برخورد امنیتی و پنهانکاری در مورد وضعیت اپیدمی تا میل به اشکالی از اوتارکی، از بستن مرزها و تعلیق تحرک افراد بین کشورها تا تجدید شکل‌هایی از ملی‌گرایی قرن نوزدهمی، همه به فاصله کمتر از دو سال آزموده شدند. نحوه تخصیص منابع و تلاش برای ایجاد امنیت ذخایر راهبردی مرتبط با وضعیت حادث شده دقیقاً اروپای قرن نوزدهم و ملی‌گرایی توأم با سوءظن و دشمنی آن دوران را به یاد می‌آورد. این در حالی است که ملتها و دولتها بیش از هر زمان دیگری به همکاری و همراهی با یکدیگر نیاز دارند. همه این موارد نشان از تغییر در الگوی رفتاری دولتها و اهمیت رویکرد رئالیسم دارد. واقع‌گرایی به ما می‌گوید، به دلیل کسری اعتماد سیستمی در امور بین‌الملل، به ویژه در مواقع بحران، دولت‌ها به جای اقدام جمعی مشترک، به کمک‌های خودیاری و بازی با حاصلجمع صفر روی خواهند آورد. بدیهی است که دقیقاً چنین رفتاری بر مدیریت جهانی بحران کووید ۱۹ مسلط است. مطمئناً همکاری اتفاق می‌افتد، اما فقط در صورت عدم تعارض با منافع ملی. در مجموع بحران کرونا و پیامدهای آن در عرصه بین‌الملل به ما یادآوری می‌کند که دولتها هنوز بازیگران اصلی سیاست جهانی هستند. نظریه واقع‌گرایی، بنا بر سنت دیرینه خود، دولتها را منفعت‌طلب تلقی می‌کند و از این جهت به هرگونه تهدیدی که بقای آن را به مخاطره بیندازد، واکنش متناسب نشان خواهد داد. دیگر آنکه دولت‌ها به محض مواجهه با تهدید، خصلت خودمحورانه و خودخواهانه پیدا خواهند کرد؛ هر چند اگر همکاری جهت رفع تهدید را سودمند بدانند به آن گرایش پیدا خواهند کرد. همه این موارد نشان از تغییر در الگوی رفتاری دولتها از همکاری و همبستگی، به رقابت و ستیزش دارد. در مجموع

تأثیر همه‌گیری جهانی ویروس کووید ۱۹ ... (ابوذر عمرانی و جواد مرادی) ۱۶۳

می‌توان گفت واقع‌گرایی به عنوان یک استراتژی شناخت، از یکسو می‌تواند به فهم و درک ما از پیامدهای ظهور کرونا ویروس مؤثر باشد و از سوی دیگر به دلیل تکیه بر عناصر و واقعیات موجود می‌تواند در پیش‌بینی و ارائه راهکارهای عملی جهت مقابله با بحران کرونا ویروس مفید واقع شود. در این راستا می‌توان با ارزیابی و شناخت الگوی رفتاری بازیگران نظام بین‌الملل در دوره همه‌گیری ویروس کرونا، درک بهتری نسبت به قواعد بازی و رفتار بین‌المللی بازیگران اصلی نظام بین‌الملل فراهم آورد. این مسئله باعث افزایش شناخت محیط بین‌المللی شده و مسئولین بهداشتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌توانند با آگاهی بیشتری نسبت به محیط رفتاری بازیگران بین‌الملل در پی دستیابی به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت بهداشتی و سیاسی ملی باشند.

کتاب‌نامه

- بهمنی، محمدعلی، شهبازیان، علی (۱۳۹۹). «حمایت از حق بر سلامت در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از بیماری‌های فراگیر جهانی با تکیه بر کووید ۱۹»، تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه حقوق و کرونا، دوره ۲۳، صص ۲۴۵-۲۷۶.
- پوراحمدی، حسین، قنبری مزیدی، مقداد (۱۳۹۲). «عوامل بحران کارکرد سازمان ملل متحد»، سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۱، صص ۳۲۸-۳۵۱.
- جکسون رابرت، گئورگ، سورنسن (۱۳۹۰). درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، تهران: انتشارات میزان.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۹). «کرونا و سیاست: دنیا از جهانی‌شدن امریکایی عبور می‌کند»، پژوهش‌شکده اندیشه دینی معاصر، تاریخ بازدید ۱/۲۶/۱۳۹۹، قابل دسترس در: <http://andishedini.com/showdata.aspx?dataid>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۹). «نظم بین‌المللی پساکرونا: چپستی و چگونگی؛ به زودی شاهد دنیایی کاملاً متفاوت خواهیم بود»، پایگاه خبری-تحلیلی دانشگاه علامه طباطبائی؛ عطنا، تاریخ بازدید ۱۶/۲/۱۳۹۹، قابل دسترسی در: <https://www.atnanews.ir>.
- دوئرتی، جیمز، فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۸). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: قومس.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۲). اصول روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات میزان.

شریعتی، شهروز، یوسفی، امین (۱۳۹۹). «پاندمی کرونا و تحلیل پلی هیوریستیکی سیاست خارجی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره ۲، صص ۱۴۶-۱۱۹.

شمسینی غیاثوند، حسن، جهانگیری، سعید (۱۳۹۹). «بررسی تأثیرات کرونا بر سیاست خارجی»، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال یازدهم، شماره ویژه نامه، صص ۲۴-۱.

فاطمی‌نژاد، سید احمد (۱۳۹۹). «پیوند امر پزشکی و امر بین‌المللی: سیاست جهانی در معرض کووید ۱۹»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۳۸۶-۳۵۷.

قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴). اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.

کوهکن، علیرضا، مالکی، مصطفی (۱۳۹۹). «بحران کرونا و ریاست دوره‌ای آلمان بر شورای اتحادیه اروپا»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۱۲۳-۹۲.

متی، حسین (۱۳۹۹). «بررسی اثرات ویروس کرونا-کووید ۱۹ بر اقتصاد جهانی»، ارزیابی تأثیرات اجتماعی، شماره ۲، صص ۱۸۱-۱۶۳.

والث، استفان (۱۳۹۸). «دهکده جهانی را فراموش کنید»، فارین پالیسی، ترجمه در روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۸۴۸.

- Abdulrazaq, Tallha, (2020), "International Relations and Power in the Coronavirus Age", TRT World, 30 Mar 2020, Available at: <https://www.trtworld.com>.
- Basrur, Rajesh & Kliem, Frederick (2020), "Covid-19 and International Cooperation: IR Paradigms at Odds", SN Social Sciences, Vol. 1, No. 7, Pp: 1-10.
- Bayeh, Endalcachew (2014), "Theories on the Role of International Organizations in Maintaining Peace and Security", International Journal of Multidisciplinary Research and Development, Vol. 1, No. 7, pp: 347-350.
- Biscop, Sven (2020), "Weaker Together or Weaker Apart? Great Power Relations After the Coronavirus", Asia Europe Journal, May 18, No. 18, Pp: 231-234.
- Brown, Gordon & Susskind, Daniel (2020), "International Cooperation During the COVID-19 Pandemic", Oxford Review of Economic Policy, Vol. 36, No. 1, Pp: 64-76.
- Burns, Dan, (2020), "How Covid-19 Affected U.S Consumer Prices in March", 11 April 2020, Available at: <https://www.reuters.com/article/ushealth-coronavirus-usa-prices/how-covid-19-affected-u-s-consumer-prices>.
- Busby, Joshua (2020), "What International Relations Tells Us About COVID-19", E-International Relations, 26 April 2020, Available At: <https://www.E-Ir.info/2020/04/26/What-International-Relations-Tells-Us-About-Covid-19>.
- Dunoff, Jeffrey (2000), "International Legal Scholarship at the Millennium", Chicago Journal of International Law, Vol. 85: Pp: 66-82.

- Fareedi, Gazala (2020), "Opinion – Challenges to the Realist Perspective During the Coronavirus Pandemic", *E-International Relations*, available in: <https://www.e-ir.info/2020/05/06>.
- Farrell, Henry & Newman, Abraham (2020), "Will the Coronavirus end Globalization as We Know It?", *Foreign Affairs*, March 16, 2020, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/2020-03-16>.
- Fayyaz, Shabana & Malik, Salma (2020), "Question of US Hegemony and COVID-19 Pandemic", *Global Political Review*, Vol. 7, No. 1, Pp: 72-83.
- Gvosdev, Nikolas (2020), "Why the Pandemic Has Revived Hard-Nosed Realism", 8 Sept 2020, Available at: <https://www.worldpoliticsreview.com>.
- Harari, Noah, Yuval (2020), "The World after Coronavirus, *Financial Times*", 20 March 2020, Available at: <https://www.ft.com/content>.
- Huang, Qingming (2020), "The Pandemic and the Transformation of Liberal International Order", *Journal of Chinese Political Science*, Vol. 26. Pp: 1-26.
- Javed, Sumbal & Chattu, Vijay Kumar (2020), "Strengthening the COVID-19 Pandemic Response, Global Leadership, and International Cooperation Through Global Health Diplomacy", *Health Promot Perspect*, 7 November 2020, available at: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC7723006>.
- Kadomtsev, Andrey (2020), "A New World Order, or Will Globalization Survive the Coronavirus Pandemic?", 17 March 2020, *Modern Diplomacy*, Available at: <https://moderndiplomacy.eu/2020/03/17>.
- Kliem, Frederick (2020), "Opinion –Realism and the Coronavirus Crisis", 11 Apr 2020, *E-International Relations*, Available in: <https://www.e-ir.info/2020/04/11>.
- Legrain, Philippe, (2020), "The Coronavirus is Killing Globalization as We Know It", *Foreign Policy Magazine*, 12 March 2020, Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/03/12/coronavirus-killing-globalizationnationalism-protectionism-trump>.
- Lika, Ddir (2020), "The Possible Geopolitical Implications of the Covid-19 Pandemic", 20 April 2020, Available At: <https://Setav.Org/En/Assets/Uploads/2020/05/A63En.Pdf>
- Magdaleno, Cristina (2020), "Chomsky on COVID-19: The Latest Massive Failure of Neoliberalism", 6 May Available At: <https://www.euractiv.com/section/economy-jobs/interview/chomsky-on-covid-19-the-latest-massive-failure-of-neoliberalism>.
- Ozkan, rsan & Cem Cetin, Hakan (2016), "The Realist and Liberal Positions on the Role of International Organizations in Maintaining World Order", *European Scientific Journal*, Vol.12, No.17, Pp: 85-96.
- Roberts, Anthea & Lamp, Nicolas (2020), "Is the Virus Killing Globalization? There's No One Answer", 15 March 2020, Available at: <https://www.barrons.com/articles/is-the-virus-killing-globalization-theres-noone-answer-51584209741>.

- Schäffer, Sebastian, Martínek, Daniel, Kushwaha, Babrik (2020), "COVID-19 in the Danube Region –Resilience or Reversion of European Integration", Available at: https://www.fatt.at/portals/0/blogitems/pdf/idm_pps.
- Speck, Ulrich (2020), "Between Confrontation and Cooperation: Coronavirus and the International Order", 6 July 2020, Available at: <https://eu.boell.org>.
- Su, Ruolin & Shen, Wensong (2020), "Is Nationalism Rising in Times of the COVID-19 Pandemic? Individual-Level Evidence from the United States", Journal of Chinese Political Science, Vol. 26, Pp: 169-178.
- Taliaferro, Jeffrey (2009), Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy, Edited by: Steven E. Lobell, Norrin M. Ripsman and Jeffrey W. Taliaferro, Cambridge University Press.
- Taylor Woods, Eric, Schertzer, Robert, Greenfeld, Liah, Hughes, Chris, Miller Idriss, Cynthia (2020), "COVID- 19, Nationalism, and the Politics of Crisis: A Scholarly Exchange", Eurasian Geography and Economics, Vol. 61, No. 4-5, Pp: 807-825.
- Walt, Stephen (2020), "Will a Global Depression Trigger Another World War?", Foreign Policy Illustration, 13 May Available At: <https://foreignpolicy.com/2020/05/13/coronavirus-pandemic-depression-economy-world-war>.
- Waltz, Kenneth (1979), Theory of International Politics, University of California, Berkley.
- Yang, Yifan, Chen, Xuechen (2021), "Globalism or Nationalism? The Paradox of Chineseofficial Discourse in the Context of the COVID-19Outbreak", Journal of Chinese Political Science, Vol. 26, Pp: 89-113.